

بررسی مفهوم و مصداق آیه «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»

از طریق پیوستگی محتوایی و سیاق آیات سوره رعد

هادی اسلامی^۱

خلاصه مقاله

مصداق شناسی آیه (مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) از جمله موضوعاتی است که میان مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل سنت، مورد اختلاف واقع شده است. مفسران شیعه مصداق این آیه را حضرت علی علیه السلام می دانند، اما مفسران اهل سنت، خداوند، عبدالله بن سلام، عالمان یهود و نصارا و مومنان را مصادیق آن دانسته اند. از آنجایی که یکی از ویژگی های قرآن کریم، پیوستگی و ارتباط موضوعی آیات یک سوره است. در این پژوهش با روش تحلیل محتوا به بررسی مفهوم و کشف مصداق «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» در سوره رعد پرداخته شد. به این منظور موضوعات مطرح شده در آیات سوره رعد و جهت گیری ها مورد بررسی قرار گرفت و طبق اطلاعات حاصل از آنها مشخص گردید که انسجام معنایی، هماهنگی و ارتباط موضوعات مطرح شده در آیات سوره رعد، سیاق درون خود آیه مورد بحث و همچنین تطبیق و دلالت آیاتی از سور دیگر قرآن، همگی بیانگر این واقعیت است که مصداق صحیح و قابل تطبیق با آیه شریفه حضرت علی علیه السلام می باشد.

واژگان کلیدی

سوره رعد، مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ، تحلیل محتوا، وحدت موضوعی، حضرت علی علیه السلام، مفسران فریقین

^۱ دانش پژوه دکتری مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن

پیوستگی و انسجام متن قرآن از لحاظ محتوایی در بین مفسران فریقین پیشینه ای دیرین دارد. از جمله مفسران شیعه که به بررسی پیوستگی و کشف محور سور اقدام نمود، صاحب تفسیر مجمع البیان مرحوم طبرسی است که در ذیل عنوان «النظم» با برقراری ارتباط یک آیه با آیه یا آیات قبل از خود، سعی در ارائه انسجام معنایی این آیات با یکدیگر دارد و جایگاه این آیات را در مجموعه آیات مشخص می سازد (رک: طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۷۵). وی در برقراری ارتباط بین آیات از شیوه ارتباط معنایی آیات با یکدیگر بهره می برد. طبرسی با یافتن نقاط مشترک هر آیه یا قسمتی از سوره با موضوع اصلی سوره، به ذکر ارتباط آنها با موضوع می پردازد که خود نوعی از برقراری پیوستگی میان آیات است (رک: طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۸۳-۸۲).

علامه طباطبایی نیز در تفسیر تمامی سوره ها، آیات هم سیاق را کنار یکدیگر قرار می دهد و به موضوعاتی که در هر دسته وجود دارد، اشاره می کند. علامه در دسته بندی آیات، به ارتباط لفظی و معنایی و حتی اسلوبی آیات توجه دارد، اما معیار اصلی علامه در تقسیم بندی آیات سوره، سیاق معنایی آنهاست. از مفسران دیگری که به رهیافت دسته بندی آیات برای کشف غرض توجه نموده اند می توان افرادی مانند بقاعی در تفسیر «نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور» محمد طاهر بن عاشور در تفسیر «التحریر و التنویر»، عبدالله محمود شحاته در «اهداف کل سوره و مقاصدها فی القرآن الکریم» و محمدتقی مدرسی در تفسیر «من هدی القرآن» را نام برد. (رک: خامه گر، ۱۳۹۵، ص ۴-۲۵).

توجه به قراین در فهم آیات قرآن نقش بسیار مهم و اساسی دارد. «آیات قرآن دارای قراین کلامی است که گاهی در آیه قبل و گاهی در آیه بعد و حتی گاهی در سوره دیگر یافته می شود و بدون توجه به این قراین، مفاد واقعی آیات به دست نمی آید». (مصباح یزدی، معارف قرآن، ج ۱، ص ۹). روش عقلای عالم نیز بر این است که برای فهم صحیح کلام گوینده، تمام قرائن کلام را در نظر می گیرند. اگر بخواهیم مقصود کلام قرآن را به درستی بفهمیم، باید با انواع مختلف قرائن آشنا باشیم. با توجه به اینکه فصاحت و بلاغت یکی از شاخصه های قرآن کریم است و انواع گوناگونی از قرائن در آن استفاده شده است، ندانستن آن موجب ایجاد نقص در فهم و تفسیر آیات می شود. بسیاری از خطاها و نقصان هایی که در تفسیر به وجود آمده، به دلیل عدم توجه کافی به قرائن است.

از آنجایی که معتقدیم هر سوره یک خط واحدی را پیگیری می کند، تحقیق حاضر درصدد بررسی چگونگی پیوستگی محتوایی متنی آیه «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» در درون خود آیه و ارتباط آن با سایر آیات سوره رعد است. لذا با روش تحلیل محتوایی و پیوستگی آیه فوق و ارتباط آن با سایر آیات سوره مورد بررسی قرار گرفت تا مشخص شود منظور از مصداق واقعی آیه شریفه «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» چه کسی است؟ بررسی و اثبات این مدعا در این آیه شریفه به عنوان نمونه، می تواند حاکی از وجود هماهنگی و پیوستگی متنی آیات قرآن کریم در کل سوره های قرآن و همچنین نقضی بر ادعای عدم پیوستگی آیات سور قرآنی باشد.

۱. روش تحقیق

در حقیقت تحلیل محتوا در رابطه با متنی معنی پیدا می کند که آن متن برای انتقال پیام ها و مفاهیم معینی نوشته شده باشد و دارای ماهیتی مشخص باشد؛ پیام هایی که توسط متن منتقل می شود می تواند دارای معانی مختلفی باشد لذا به واسطه تحلیل محتوا باید معنای اصلی آن پیام را بازشناخت. روش بازشناسی و تحلیل این پیام ها به صورت نظام مند بوده و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می کنند (جانی پور، ۱۳۹۰-الف، ص ۱۹۶).

از آنجا که روش تحلیل محتوا برای یافتن موضوعات اصلی و جهت گیری ها، روشی علمی برای تفسیر متن است و نتایج به دست آمده از آن اطمینان آورتر است، این تحقیق بر آن شد تا با استفاده از این روش، به بررسی مصداق آیه «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» در آخرین آیه از سوره الرعد بپردازد.

۲. سابقه استفاده از سیاق در تفاسیر و حجیت آن

نمونه هایی از توجه به بافت معنایی آیات در فهم مراد، حتی در زمان صحابه و تابعین نقل شده است (اصفهانی، ۱۹۰۵، ص ۲۶۰). در میان دانشمندان مسلمان برای نخستین بار، ابن ادریس شافعی واژه «سیاق» را در معنایی نزدیک به معنای امروزی آن در کتاب «الرساله» به کار برد (شافعی، بی تا، ص ۶۲). زرکشی دلالت سیاق را از راهگشایترین قرائن در تبیین مراد متکلم می داند و غفلت از آن را سبب اشتباه در فهم برمی شمارد (زرکشی، ۱۹۵۷، ج ۲، ص ۲۰۰). فخر رازی نیز معتقد است بیشترین لطایف قرآن در ترتیبات و روابط بین آیات قرار دارد (فخر رازی، ۱۴۲۱، ج ۱۰، ص ۱۱۰).

در معنای لفظی و اصطلاحی سیاق، اقوال مختلفی وجود دارد، منظور از سیاق در این نوشتار نوعی خصوصیت و فضای معنایی است که از قرار گرفتن کلمات و جملات در کنار هم به دست آمده و در مفهوم عبارت، اثرگذار است (سلوی، ۱۴۱۹، ص ۶۲، اسعدی، ۱۳۸۹، ص ۶۴). به عبارتی سیاق، چینی خاص از واژه ها و جملات است که زمینه ساز ظهور کلام در یک معنای خاص می شود، واضح است که سیاق در قرآن از نظر گستره می تواند از سیاق جملات درون یک آیه آغاز شود و تا حد سیاق آیات وسعت یابد.

محمد هادی معرفت ترتیب کنونی آیات قرآن را جز در مواردی اندک طابق با ترتیب نزول آیات می داند و لذا اعتقاد دارد که اصل بر وحدت سیاق آیات است (معرفت، ۱، ۲۸۰). پس جز در مواردی که دلیلی روشن بر عدم تطابق ترتیب نزول آیات با ترتیب چینش آن در دست باشد، می توان به اصالت سیاق استناد کرد و قرینه سیاق را به کار گرفت. علامه طباطبایی چنانکه پیشتر نقل شد، وجود ارتباط معنایی آشکار بین اجزاء یک سیاق را نیز در حجیت سیاق شرط می داند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۴۲). از طرفی از آنجا که حجیت دلالت سیاق ریشه در حجیت ظواهر دارد، هر زمان دلالت سیاق با دلالت نصی معارض باشد، سیاق از حجیت ساقط می شود. (نجارزادگان، ۱۳۸۸، ص ۶۴)

با توجه به این چند ملاک، حجیت سیاق آیات تا حدی وابسته به فهم مفسر از آن است، چه بسا مفسر به خاطر پوشیده ماندن برخی موضوعات در فهم سیاق، به ارتباط مفهومی بین آیات پی نبرد و آن سیاق را فاقد حجیت بداند.

۳. معرفی سوره رعد

سوره رعد در مکه نازل شده است و دارای ۴۳ آیه می باشد. به دلیل آیه ۱۳ از این سوره که می فرماید: «وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ» به این عنوان نام گذاری شده است.

این سوره بطوری که از سیاق آیاتش و از مطالبی که مشتمل بر آنست برمی آید تمامیش در مکه نازل شده، و از بعضی از مفسرین هم نقل شده که گفته اند: همگی آن مکی است مگر آخرین آیه آن که در مدینه در شان "عبد الله بن سلام" نازل شده، و این قول را "به کلبی" و "مقاتل" نسبت داده اند. و لیکن این قول صحیح نیست، زیرا می بینیم که مضمون آخرین آیه آن، همان مضمون اولین آیه آنست که فرموده: "وَالَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقَّ". (طباطبایی، ج ۱۱، ص ۳۸۸)

۴. تحلیل محتوای سوره رعد

بهترین راه برای تحلیل هر سوره ای، بررسی موضوعات مطرح شده در آن سوره است. موضوعات، عناوین کلیدی و کلی موجود در هر سوره ای که عبارات و مضامین مختلف متن آن سوره به دنبال بیان شرحی در رابطه با آن موضوع می باشند، چارچوب اصلی سوره را تشکیل می دهد و با نگاهی اجمالی به فهرست آنها و بررسی میزان فراوانی هر کدام می توان به سهولت تشخیص داد که آن سوره در چه حوزه ای بوده و در رابطه با چه مواردی سخن گفته است.

مهمترین موضوعات مطرح شده در سوره رعد، بیان آیات توحید، بیان اسرار آفرینش، پاسخ به کافران و تاکید بر عدم نقض عهد و پیمان الهی است که در نهایت با اشاره به کافی بودن شهادت حضرت علی علیه السلام بعد از شهادت خدواند و رسول (ص) که مورد بحث این مقاله است پایان می پذیرد.

با توجه به مطالب فوق، برای روشن شدن «من عنده علم الکتاب» در آخرین آیه از این سوره، به بررسی محتوایی موضوعات این سوره می پردازیم.

۴-۱. تذکر به آیات قرآن و پیام وحی

الْمَرَّةَ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقَّ وَلَا كُنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ. (رعد: ۱)
در انسجام معنایی آیات یک سوره، آیات ابتدایی و پایانی سوره حائز اهمیت است. در این سوره شروع آیات پیرامون نزول قرآن است و آخرین آیه نیز که آیه مورد بحث است درباره صاحب علم کتاب یعنی امیرالمومنین علیه السلام می باشد. کمی تأمل ما را به یاد حدیث ثقلین می اندازد که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: کتاب خدا و عترت دو ثقل گرانبهایی هستند که اگر امت اسلام به آن دو تمسک پیدا کنند هرگز گمراه نخواهند شد.

۴-۲. بیان اسراری از عالم آفرینش

آیه دوم سوره رعد اشاره به برافراشته شدن آسمان ها بدون ستون قابل رؤیت، پرداختن به عرش، تسخیر خورشید و ماه که همگی در حرکتند و مسأله تدبیر امر شده است. در آیه سوم و چهارم به خلقت راه ها و رودها و انواع میوه ها و زوجیت آنها و شب و روز می پردازد و آیه هشتم و نهم اشاره به علم غیب الهی و آگاهی خدوند از آنچه در ارحام است دارد. در آیات دوازدهم و سیزدهم اشاره به رعد و برق و تسبیح آن و ابرهای باران را شده است. در آیه پانزدهم نیز خبر از سجده همه موجودات در آسمانه ها و زمین در برابر خداوند می دهد. همانطور که پیداست آیات متعددی از این سوره به بیان اسراری از عالم آفرینش اختصاص پیدا کرده است.

۴-۳. بیان اقوال اهل کفر

بررسی فراوانی کلمات، قالب ها، مضامین و موضوعات مطرح شده در متن به ما کمک می کند تا تحلیل کیفی بهتری از سوره داشته باشیم. زیرا تحلیل های کمی راه ورود برای تحلیل های کیفی را هموار می کنند. یکی از موضوعاتی که از لحاظ کمی در این سوره قابل تأمل است، بیان اقوال اهل کفر با عنوان «یقول الذین كفروا» است که ۳ مرتبه با همین قالب تکرار شده است و اتفاقاً آیه مورد بحث ما هم که آخرین آیه این سوره است با همین مضمون است.

- وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (۷)
- وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنَاصِبُ (۲۷)
- وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَن عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (۴۳)

در آیه هفتم خطاب به پیامبر (ص) می فرماید تو انذار کننده ای و برای هر قومی هدایتگری وجود دارد. در بین مفسران فریقین پیرامون همین آیه شریفه بحث است که منظور از هدایتگر چه کسی است. مفسران شیعه بر اساس روایات موجود از پیامبر (ص) بر این باورند که منظور از هدایتگر حضرت علی علیه السلام است که بعد از رحلت پیامبر به امر خداوند وظیفه هدایت مسلمین با ایشان بوده است. در بین مفسران اهل سنت نیز هستند کسانی که این روایات را کتمان نکرده و به آن پرداخته اند، که در ادامه خواهد آمد.

فخررازی در التفسیر الکبیر، ابن کثیر در تفسیر القرآن العظیم، ابوحیان در البحر المحیط فی التفسیر، سیوطی در الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، آلوسی در روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی روایاتی را در ذیل همین آیه به عنوان تفسیر آورده اند تا حقیقت بر اهلش مخفی نماند.

در آیه بیست و هفتم در پاسخ به بهانه جوئی های اهل کفر می فرماید هدایت و ضلالت به دست خداوند است؛ خداوند هر که را بخواهد گمراه و یا هدایت می کند. و در آیه چهل و سوم که آیه پایانی است مسأله «من عنده علم الكتاب» را مطرح می فرماید که او هم کسی بجز علی ابن ابی طالب علیه السلام نیست.

انسجام معنایی آیات در آیه سی و سوم بیشتر خودش را نشان می دهد؛ خداوند در این آیه می فرماید: ... بَلْ زَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُمْ وَ صَدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَ مَن يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ (رعد: ۳۳). وقتی خداوند خبر از مکر و حيله اهل کفر می دهد که می خواهند از این طریق مردم را از راه خدا باز دارند، که در پاسخ به رفتار آنان می فرماید هر کس را که خدا گمراه کند هدایتگری نخواهد داشت. یعنی به روشنی خبر ایجاد اختلاف در پذیرش "هادی" قوم می دهد و دیگر سخنی از منذر نیست. به همین علت در آیه چهل و دوم خبر از مکر اهل کفر می

دهد و می فرماید: «وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا» و بلافاصله در آیه بعد می فرماید شهادت و گواهی خداوند و رسول و من عنده علم الكتاب کافی است.

با اندکی تدبیر در انسجام محتوایی آیات مطرح شده که از قالب و خطاب یکسانی برخوردارند و همگی با عبارت «وَقَوْلُ الَّذِينَ كَفَرُوا» بیان شده است، می توان پیوند معنایی این آیات را به دست آورد.

نتیجه اینکه مشخص است "هادی" قوم که درباره او اختلاف می شود و اهل کفر در موردش مکر و حيله بکار می برند همان صاحب علم کتاب است که در آخرین آیه به آن اشاره شده است.

۴-۴. تغییر احوال مردم با اراده خودشان

یکی از کلیدی ترین آیات سوره رعد آیه یازدهم است که می فرماید: خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی دهد مگر اینکه آنها تغییراتی در خود ایجاد کنند. «... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ». (رعد: ۱۱) خداوند با این بیان سعادت و شقاوت یک قوم را منوط به رفتار و کردار آن قوم می داند.

جمله إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ که در دو مورد از قرآن با تفاوت مختصری آمده است، یک قانون کلی و عمومی را بیان می کند، قانونی سرنوشت ساز و حرکت آفرین و هشدار دهنده! این قانون که یکی از پایه های اساسی جهان بینی و جامعه شناسی در اسلام است، به ما می گوید مقدرات شما قبل از هر چیز و هر کس در دست خود شما است، و هر گونه تغییر و دگرگونی در خوشبختی و بدبختی اقوام در درجه اول به خود آنها بازگشت می کند، شانس و طالع و اقبال و تصادف و تاثیر اوضاع فلکی و مانند اینها هیچکدام پایه ندارد، آنچه اساس و پایه است این است که ملتی خود بخواهد سربلند و سرفراز و پیروز و پیشرو باشد، و یا به عکس خودش تن به ذلت و زبونی و شکست در دهد، حتی لطف خداوند، یا مجازات او، بی مقدمه، دامن هیچ ملتی را نخواهد گرفت، بلکه این اراده و خواست ملتها، و تغییرات درونی آنهاست که آنها را مستحق لطف یا مستوجب عذاب خدا می سازد. (شیرازی، تفسیر نمونه: ج ۱۰ ص ۱۴۵)

بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) جامعه مسلمانان دچار دگرگونی و تغییرات زیادی شد. جامعه ای که با ولایت و رهبری رسول خدا (ص) به اتحاد و همبستگی بی نظیری رسیده بود و تحول عظیمی در سطح جامعه و زندگی مردم به وجود آمده بود، با عدم توجه مردم به سفارشات پیامبر (ص) و بازگشت به تعصبات قومی و قبیله ای دوباره دچار انحطاط و تزلزل شد و از آن دوران سرافرازی اجتماعی خویش فاصله ای بسیار گرفت.

۴-۵. عهد و پیمان الهی

یکی از سفارشات مهم سوره رعد رعایت عهد و پیمان الهی است. خداوند به کسانی که به عهد و پیمان الهی خود وفا کنند وعده بهشت می دهد الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ (رعد: ۲۰). اما نسبت به کسانی که نقض عهد الهی می کنند هشدار داده و از آن به عنوان فساد در زمین یاد می کند و با شدیدترین لحن آنان را مورد لعنت قرار داده و به آنان وعده جهنم را می دهد. وَ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (رعد: ۲۵).

در غدیرخم به دستور خداوند در محضر پیامبر (ص) مسلمانان با حضرت علی علیه السلام یعنی همان «من عنده علم الكتاب» عهد و پیمان الهی بستند که او خلیفه رسول خدا (ص) باشد؛ اما بعد از رحلت پیامبر (ص) نقض عهد کردند و مورد لعنت خداوند قرار گرفتند. در این سوره که خبر از صاحب علم کتاب می دهد هشدار از نقض عهد و پیمان الهی ارتباط معناداری خواهد داشت که بر اهل بصیرت پوشیده نیست.

۴-۶. یادآوری روز حساب الهی

و در نهایت یکی دیگر از مسائل مهم مطرح شده در سوره رعد مسأله یادآوری روز معاد و قیامت به عنوان روز حسابرسی است. در خطاب به پیامبر گرامی (ص) می فرماید وظیفه تو تبلیغ است و حساب برعهده خداوند است. وَ إِنَّمَا نُرِيَّتَكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّيْكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَ عَلَيْنَا الْحِسَابُ * أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَ اللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَ هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (رعد: ۴۱-۴۰).

با توجه به انسجام معنایی که در کل سوره رعد وجود دارد، بررسی آیه در کل سوره رعد ما را به این نتیجه می رساند که "من عنده علم الكتاب" همان هادی قوم است که خداوند وعده آن را به هر قومی داده است. خداوند با یادآوری روز حساب قیامت و هشدار نسبت به رعایت عهد و پیمان الهی و همچنین پاسخ به بهانه جویی های اهل کفر در صدد معرفی شخصیتی است که در بین مردم فقط اوست که صاحب علم کتاب است.

۵. بررسی موضوع در خود آیه (درون آیه ای)

یکی از روش های برداشت تفسیری، تدبیر پیرامون آیه شریفه است. برای بررسی درون آیه ای لازم است سوالات اصلی و فرعی پیرامون مساله مجهول مطرح شده و پاسخ های احتمالی آن مورد بررسی قرار گیرد. ازجمله موضوعاتی که میان مفسران شیعه و شماری از مفسران اهل سنت، مورد اختلاف واقع شده، مصداق شناسی آیه (من عنده علم الكتاب) است. برای مشخص شدن مصداق مورد نظر در این آیه ما باید با طرح سوالاتی دقیق و با کمک گرفتن از معلومات موجود در آیه برای رفع مجهول که همان «مصداق من عنده علم الكتاب» است، آیه شریفه را مورد بررسی درون آیه ای قرار دهیم.

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ». (الرعد: ۴۳) آنها که کافر شدند می گویند: «تو پیامبر نیستی!» بگو: «کافی است که خداوند، و کسی که علم کتاب (و آگاهی بر قرآن) نزد اوست، میان من و شما گواه باشند!»

سوالات و احتمالات پیرامون مصداق آیه

سوال اصلی: مراد از «من عنده علم الكتاب» چه کسی است؟

سوالات فرعی: - شاهد چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟

- این کدام شاهد است که شهادتش در کنار شهادت خداوند قرار گرفته است؟
- منظور از علم الکتاب چیست؟ آیا قرآن، تورات و انجیل و یا تمام کتب آسمانی است؟

برای پاسخ به سوالات فوق، ابتدا باید معلومات و یقینیات آیه را مشخص کنیم:

۱. سوره رعد مکی است. این آیه در مکه نازل شده است.
۲. خدا، رسول گرامی و اهل کفر از معلومات آیه به حساب می آیند.
۳. آیه در مقام پاسخ به انکار رسالت پیامبر (ص) توسط کفار است.
۴. پاسخ باید به گونه ای باشد که جوابگوی اهل کفر باشد تا از باب اتمام حجت قانع شوند.
۵. آیه نمی تواند حواله به چیزی و یا کسی باشد که راهی برای دستیابی به آن نباشد؛ پس «من عنده علم الکتاب» باید مانند پیامبر (ص) در دسترس اهل کفر بوده باشد.
۶. استفاده از «من» موصوله حاکی از این است که مصداق آن نمی تواند بیش از یک نفر باشد، زیرا در این صورت باید از الفاظی همچون «الذان» یا «الذین» استفاده می شد.

معرفی مصادیق موجود در تفاسیر فریقین :

- برخی از مفسران اهل سنت، مصداق آیه را عبدالله بن سلام می دانند. (عبدالله بن سلام بعدها در مدینه در سال هشتم هجرت اسلام آورد)
- برخی مصداق آیه را عالمان یهود و نصارا و تمام مومنان دانسته اند.
- مفسران شیعه و شماری از عالمان اهل سنت مصداق این آیه را حضرت علی (ع) می دانند.

بررسی و پاسخ به مصادیق و اقوال مطرح شده پیرامون آیه شریفه:

۱. «من عنده علم الکتاب» منظور از «من» خداوند است. منظور از علم الکتاب هم لوح محفوظ است. (تفسیر الکشاف)
این قول و احتمال قابل قبول نیست: زیرا خلاف ظاهر عطف است. چون اول کفایت خدا را گفته بود و دیگر معنا نداشت که تکرار کند.
۲. منظور از کتاب تورات و انجیل، و یا فقط تورات است، و معنایش این است که علمای کتاب کافی اند برای شهادت بین من و شما، زیرا ایشان از بشارتهایی که در باره من در کتابشان آمده خبر دارند، و اوصاف مرا در کتاب خود خوانده اند. (تفسیر روح المعانی)

ولی این تفسیر نیز صحیح نیست، زیرا در آیه شریفه شهادت آمده، نه صرف علم. و از سوی دیگر، این سوره در مکه نازل شده و بطوری که می‌نویسند در آن ایام احدی از علمای اهل کتاب ایمان نیاورده بود، و کسی از ایشان به رسالت آن جناب شهادت نداده بود، و با این حال معنا ندارد احتجاج را مستند به شهادتی کند که هنوز احدی آن را اقامه نکرده باشد.

۳. مراد آن عده از علمای اهل کتابند که اسلام آورده‌اند، مانند عبد الله بن سلام و تمیم داری و جارود و سلمان فارسی و بعضی گفته‌اند: مراد تنها عبد الله بن سلام است.

ولی جواب این گفتار هم این است که گفتیم این سوره در مکه نازل شده، و نامبردگان در مدینه مسلمان شدند.

۴. اگر حرف «من» را در «من عنده علم الکتاب» به کتاب بزنیم درست نیست زیرا باید می‌فرمود و ما فيه علم الکتاب. پس شیء در کار نیست بلکه شخص مطرح است.

۵. آیه شریفه در حق علی (ع) نازل شده و همچنین روایاتی که در این باره وارد شده تایید می‌شود. پس اگر جمله "وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ" به کسی از گروندگان به رسول خدا (ص) منطبق گردد، قطعاً به علی (ع) منطبق خواهد شد، چون او بود که به شهادت روایات صحیح و بسیار، از تمامی امت مسلمان داناتر به کتاب خدا بود. و اگر هیچ یک آن روایات نبود جز روایت ثقلین که هم از طرق شیعه و هم از طرق سنی بما رسیده در اثبات این مدعا کافی بود، زیرا در آن روایت فرمود: اِنِّی تَارَكْتُ فِیْکُمُ الثَّقَلَیْنِ، کِتَابَ اللّٰهِ وَ عِترَتِیْ، اَهلَ بَیتِی لَنْ یَفْتَرِقَا حَتّٰی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ مَا اِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهَمَا لَنْ تَضِلُّوْا بَعْدَیْ اَبَدًا (سفینه البحار، ج ۱، ماده "ثقل").

با طرح سوالات و احتمالات مختلف پیرامون «مصدق من عنده علم الکتاب» و پاسخ به آن مشخص شد که آیه شریفه جز بر حضرت علی علیه السلام، بر شخص دیگری قابل تطبیق نیست. وجود روایات پیامبر (ص)، ائمه اطهار علیهم السلام، صحابه و تابعان و همچنین گسترده‌ی دانش حضرت علی علیه السلام بر اساس اسناد تاریخی از مهمترین دلایل آن محسوب می‌شود.

علم الکتاب به چه معناست؟ اگر مراد از الف و لام «الکتاب» استغراق افراد یا جنس باشد، در این صورت به معنای علم به تمام کتاب‌های آسمانی از قبیل قرآن، تورات، انجیل، زبور و صحف است که در نزد حضرت می‌باشد. اما اگر مراد از الف و لام «الکتاب» عهد باشد یعنی تعریف از نوع عهد شخصی باشد، به احتمال قوی منظور فقط همان قرآن است و به احتمال ضعیف منظور تورات و انجیل است.

۶. بررسی آیه در کل قرآن

یکی از روش‌های تفسیری، تفسیر آیه با توجه به آیات دیگر قرآن است، یعنی قرآن را منبعی برای تفسیر آیات قرآن قرار دادن، که از آن به عنوان «تفسیر قرآن به قرآن» یاد می‌شود. روش تفسیری پیامبر گرامی و ائمه اطهار علیهم السلام نیز همین بوده است. علامه طباطبایی (ره) تفسیر المیزان را نیز بر اساس همین روش نگاشته است.

بررسی و فهم صحیح آیاتی که در ذیل آمده است، می تواند کمک شایانی در تفسیر و کشف مصداق واقعی «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» داشته باشد:

- خداوند در سوره هود می فرماید «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً». (هود: ۱۷) از این آیه فهمیده می شود که پیامبر اکرم علاوه بر آیات روشن و براهینی که از طرف پروردگارش دارد، به همراه خود شاهدی از جانب خویش دارد. «شَاهِدٌ مِّنْهُ» یعنی در کنار تأیید خداوند از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، کنار او کسی می باشد که از خانواده و اهل بیت پیامبر علیهم السلام است و تأیید کننده او می باشد همانطور که در کنار موسی علیه السلام کسی از خانواده او یعنی برادرش او را تأیید می نمود: «هَارُونَ أَخِي»؛ اشدُّ بِهِ أَزْرًی (سوره طه، ۳۰ و ۳۱)؛ فلذا پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خطاب به امیرالمومنین علیه السلام فرمود: «أَنْتَ مَتَىٰ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ» (صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰)؛ تو برای من به منزله هارون برای موسی هستی.

بسیاری از بزرگان مفسران «شاهد منه» را به علی علیه السلام تفسیر کرده اند. در روایات متعددی که از ائمه معصومین به ما رسیده است، و در بعضی از کتب تفسیر اهل سنت نیز آمده روی تفسیر تأکید شده است که منظور از شاهد امام امیر مؤمنان ع یعنی نخستین مردی که به پیامبر و قرآن ایمان آورد، و در تمام مراحل با او بود و لحظه ای از فداکاری فروگذار نکرد و تا آخرین نفس در حمایتش کوشیده، می باشد. در حدیثی می خوانیم که علی علیه السلام فرمود: در باره هر یک از مردان معروف قریش آیه یا آیه هایی نازل شده است کسی عرض کرد ای امیر مؤمنان در باره شما کدام آیه نازل شده است؟، امام فرمود: آیا آیه ای که در سوره هود است نخوانده ای؟ أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ، پیامبر "بینة الهی" داشت و "شاهد" من بودم (تفسیر برهان جلد ۲ صفحه ۲۱۳). در آخرین آیه سوره رعد نیز تعبیری دیده می شود که این معنی را تأیید می کند آنجا که می فرماید: وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ: "کافران می گویند تو پیامبر نیستی بگو همین اندازه بس که خداوند میان من و شما شاهد و گواه است و همچنین کسی که علم کتاب (قرآن) نزد او است. در روایات بسیاری از طرق شیعه و اهل سنت چنین می خوانیم که منظور از مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ علی علیه السلام است. (شیرازی، مکارم، تفسیر نمونه، ج ۹، ص: ۵۴)

بنابراین با توجه به اینکه مراد از «شَاهِدٌ مِّنْهُ» امیرالمومنین علیه السلام است، به راحتی می توان تشخیص داد که منظور از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» در سوره رعد که قرار است همانند خداوند، شهادت و گواهی او پیامبر را کفایت نماید، امیرالمومنین علیه السلام است. زیرا در آیه «شَاهِدٌ مِّنْهُ» از حضرت علی علیه السلام به عنوان شاهد یاد شده است و اینجا نیز بحث از شاهدی است که علم کتاب نزد اوست، که همان حضرت علی علیه السلام می باشد.

- در جریان نزول و ابلاغ سوره براءت یا همان توبه وقتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) مأمور شد این سوره را از ابوبکر پس بگیرد و وی ناراحت خدمت پیامبر اکرم آمد و علت را جویا شد، آن حضرت فرمود که خداوند فرموده است: «لَا يُؤَدِّي عَنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِّنْكَ» (مسند احمد، ج ۱، ص ۱۵۱ و مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۵۱) یعنی تنها یا خودت باید ابلاغ کنی یا مردی که از تو است. و متواتر یا نزدیک به متواتر است که «رجل منك»

امیرالمومنین بود، فلذا فرمود: «وَعَلَى مَنِّي وَ لَا يُؤَدِّي عَنِّي إِلَّا عَلَى»؛ علی از من است و أداء نمی کند ابلاغ را کسی از طرف من جز علی علیه السلام.

با وجود این شواهد به وضوح می توان فهمید که مراد از «شَاهِدٌ مِنْهُ» در سوره هود امیرالمومنین علیه السلام می باشد و این مؤیدی بسیار قوی برای این است که تشخیص دهیم منظور از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» در سوره رعد - که قرار است همانند خداوند، شهادت و گواهی او پیامبر را کفایت نماید - امیرالمومنین علی علیه السلام است.

- خداوند در سوره نمل (سوره نمل، ۴۰) در مورد داستان سلیمان علیه السلام و تخت بلقیس می فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ...» شخصی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت به سلیمان علیه السلام گفت: «پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن (تخت بلقیس) را نزد تو خواهم آورد!» و این شرح حال کسی است که بخشی از علم کتاب را داشت.

در آیه فوق، از وصی سلیمان نبی (ع) یعنی آصف بن برخیا، به عنوان کسی یاد شده که دارای «عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ» (نمل: ۴۰) است. یعنی به اقتضای «من تبعیضیه»، وی تنها دارای بخشی از دانش کتاب است ولی در عین حال توانست تخت بلقیس را از فاصله ای بس طولانی پیش از چشم بر هم زدن سلیمان نبی (ع) نزد او حاضر سازد.

اما در آیه پایانی سوره رعد خداوند خبر از وجود شخصی می دهد که در نزد او تمام «علم الكتاب» است. اگر به مستندات تاریخی و روایی مراجعه کنیم تنها شخصی که شایستگی چنین علمی داشته است بجز حضرت علی علیه السلام فرد دیگری نبوده است. آری او همان شخصی است که پیامبر گرامی اسلام (ص) درباره او می فرمود: رَسُولُ اللَّهِ ص يَقُولُ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَيَّ بَابُهَا وَ لَنْ تُدْخَلَ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا. من شهر علم هستم و علی علیه السلام دروازه آن (الخصال، ج ۲ ص ۵۷۴).

بنابراین با توجه به شواهد قرآنی در سایر سوره های قرآن به خوبی حق نمایان است که "صاحب علم کتاب" که خداوند او را گواه و شاهد گرفته است نمی تواند کسی بجز حضرت علی علیه السلام باشد.

۷. دیدگاه مفسران فریقین در مورد مصداق «من عنده علم الكتاب»

مفسران شیعه و اهل سنت در ذیل آیه شریفه با بیان مصادیق مختلفی سعی کرده اند به تفسیر «من عنده علم الكتاب» بپردازند. مفسران شیعه به استناد روایاتی معتبر، حضرت علی علیه السلام را تنها مصداق آیه شریفه دانسته اند؛ اما مفسران اهل سنت با بیان مصادیق مختلف سعی بر این دارند قول واحدی را انتخاب نکنند، هرچند بعضی از آنان با رد اقوال مختلف به اثبات مصداق واقعی آن یعنی حضرت علی علیه السلام اعتراف نموده اند. ما در اینجا برای نمونه نظر بعضی از مفسران فریقین را می آوریم.

الف: دیدگاه مفسران شیعه در مورد مصداق «من عنده علم الكتاب»

مفسران شیعه بر این باورند که «من عنده علم الكتاب» از آیات مکی است و منظور از «الكتاب» در این آیه قرآن کریم بوده و مصداق واقعی این آیه حضرت علی علیه السلام می باشد. بیشتر استناد مفسران شیعه به روایات متعدد و صحیح السند موجود در منابع فرقین است که «من عنده علم الكتاب» را به امیرالمؤمنین علی علیه السلام تفسیر نموده است.

- علی بن ابراهیم قمی با سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل می کند: حدثنی اُبی عن ابن اُبی عمیر عن ابن اُذینة عن اُبی عبد الله علیه السلام قال: الذی عنده علم الكتاب هو اُمیر المؤمنین علیه السلام. (تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۶۷). امام صادق علیه السلام فرمود: آن کسی که علم کتاب در نزد او است، امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد.

- طبرسی در مجمع البیان فی تفسیر القرآن: «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»: در باره این جمله اقوالی است:

۱- حسن و ضحاک و سعید بن جبیر و زجاج گویند: مقصود از کسی که: علم کتاب پیش اوست، خداوند است. مؤید آن قرائت «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» است.

۲- ابن عباس و قتاده و مجاهد و جبائی گویند: مقصود مؤمنان اهل کتاب، از قبیل عبد الله سلام و سلمان فارسی و تمیم داری است. دسته اول، این قول را نپذیرفته، گویند: این سوره، مکی است و اینها بعد از هجرت، مسلمان شده اند.

۳- از امام باقر و امام صادق (ع) نقل شده که منظور علی (ع) و سایر ائمه است.

برید بن معاویه از امام صادق (ع) نقل کرده است که فرمود: «خداوند ما را قصد کرده است. اول و افضل و برگزیده تر ما بعد از پیامبر، علی (ع) است». عبد الله بن کثیر روایت کرده است که آن بزرگوار دست بر سینه گذاشت و فرمود: «بخدا علم کتاب بطور کامل، پیش ماست» مؤید آن، روایت است از شعبی که گفت: بعد از پیامبر گرامی اسلام، احدی به کتاب خدا عالم تر از علی و اولاد صالحش نیستند. عاصم بن ابی النجود از ابی عبد الرحمن سلمی نقل کرده است که گفت: احدی ندیدم که قرآن را بهتر از علی بن ابی طالب قرائت کند. ابو عبد الرحمن نیز از عبد الله مسعود نقل کرده است که می گفت: اگر کسی بقرآن عالم تر از من بود، به او مراجعه می کردم. گفتند: علی چطور؟ پاسخ داد: مگر من به علی مراجعه و از او استفاده نکرده ام؟ (طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن: ج ۶، ص ۴۶۲)

- ابوالفتح رازی در روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن:

و يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، حق تعالی در این آیت انکار کرد بر کافرانی که منکر بودند نبوت رسول را- صلوات الله علیه و علی آله- گفت می گویند کافران که: تو پیامبر نه ای. تو جواب ده و بگو: كَفَى بِاللّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ، پس است خدای گواه میان من و شما و آن کس که علم کتاب نزد اوست.

بعضی مفسران گفتند: عبد الله سلام است، و بیشتر مفسران از قدما و محدثان و اهل اخبار و اسناد و روایات از موافقان و مخالفان بر آنند که امیر المؤمنین علی است.

عبد الله بن عطا گفت که، از باقر- علیه السلام- پرسیدم که: و من عنده علم الكتاب، کیست آن که علم کتاب نزد اوست؟ گفت: علی بن ابی طالب، و محمد بن الحنفیه هم این گفت. و راوی خبر گوید که با ابو جعفر در مسجد نشسته بودم، عبد الله سلام در گوشه‌ای نشسته بود، گفتم ابو جعفر را که، مردمان می‌گویند که: و من عنده علم الكتاب این است. گفت: نه، ذاک علی بن ابی طالب. (ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن: ج ۱۱ ص ۲۴۲)

- بانو امین در تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن :

و يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ كَافِرِينَ حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می گفتند تو پیمبر مرسل نیستی تو در جواب آنان بگو خدا کافی است که بین من و شما حکم نماید و شاهد صدق رسالت من باشد شاید مقصود این باشد که اگر من بدروغ نسبت رسالت خود را بخدا میدادم در مورد عذاب او واقع میگردیدم و مرا رسوا مینمود که مردم در اشتباه نیفتند.

وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (سخنان مفسرین در توجیه آیه)

۱- (وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) مقصود خدا است. (حسن و ضحاک و سعید بن جبیر)

۲- مقصود مؤمنین اهل کتابند از آنان است عبد الله بن سلام و سلمان فارسی تمیم داری. (ابن عباس و قتاده و مجاهد و جبائی) و جماعت اول منکر این قول گردیدند زیرا که سوره مکی است و اینها بعد از هجرت ایمان آوردند.

۳- مقصود امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و ائمه هدی علیهم السلامند.

(ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام) و برید بن معاویه از ابی عبد الله چنین نقل می کند که فرمود آیه ما را قصد فرموده و علی علیه السلام اول ما و افضل ما و بهتر از ما است بعد از نبی صلی الله علیه و آله و سلم، و نیز عبد الله بن کثیر از ابی عبد الله (ع) چنین روایت میکند که دست بر سینه خود گذارد و فرمود و الله تمام علم کتاب نزد ما است، و تأیید میکند این روایت را اینکه شعبی گفته احدی نیست که بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم عالم‌تر باشد بکتاب الله از علی بن ابی طالب علیه السلام و اولاد او، و عاصم بن ابی نجود از ابی عبد الرحمن سلمی روایت کرده که گفته ندیدم کسی را که از علی بن ابی طالب (ع) در قرآن اقرء باشد، و نیز از عبد الله بن مسعود است که گفته اگر میدانستم که احدی از من داناتر است بکتاب خدا میرفتم نزد او یعنی از او هم یاد می‌گرفتم، راوی باو گفت پس علی علیه السلام چه شد، ابن مسعود گفت مگر من نرفتم از علی (ع) یاد بگیرم. و قمی از صادق (ع) روایت میکند (که فرمود: و من عنده علم الكتاب، او امیر المؤمنین (ع) است) و سؤال شد که آنکسیکه نزد او علمی است از کتاب عالم‌تر است یا آن کسی که نزد او است علم کتاب (یعنی عالم بتمام کتاب

است) گفت نمی‌باشد آنکسیکه نزد او علمی از کتاب است مگر بقدر آنکه پشه از آب دریا ببال خود می‌گیرد، و امیر المؤمنین (ع) فرمود آگاه باشید که آن علمی که با آدم از آسمان بزمین هبوط نمود و آنچه بآن انبیاء فضیلت یافتند نزد خاتم النبیین است و آن در عترت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم است.

- علامه طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن :

بعضی دیگر آنان گفته‌اند منظور از کتاب، قرآن کریم است، و معنای آن این است که هر کس این کتاب را فرا گرفته و بدان عالم گشته و در آن تخصص یافته باشد، او گواه است بر اینکه قرآن از ناحیه خداست، و من هم که آورنده آنم فرستاده خدایم، در نتیجه خاتمه سوره به ابتداء آن برمی‌گردد، که فرموده بود: "تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ" و آخر سوره به اول آن و همچنین به وسط آن عطف می‌شود که فرمود: "أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ". و این گفتار از خدای سبحان در حقیقت یاری کردن قرآن و دفاع از آن است، در قبال توهینی که کفار از آن کرده، و مکرر گفتند: "لَوْ لَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ". البته برای افاده این معنا جا داشت که صریحا متعرض وضع قرآن شده بفرماید قرآن بزرگترین آیت بر رسالت است، و لیکن فرمود: "قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ" تا این غرض را ایفاء کرده باشد، و از بزرگترین شواهد این معنایی که برای آیه کردیم این است که آیه شریفه مثل بقیه آیات این سوره در مکه نازل شده است.

و با همین بیان گفته جمعی که گفته‌اند: آیه شریفه در حق علی (ع) نازل شده و همچنین روایاتی که در این باره وارد شده تایید می‌شود. پس اگر جمله "وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ" به کسی از گروندگان به رسول خدا (ص) منطبق گردد، قطعاً به علی (ع) منطبق خواهد شد، چون او بود که به شهادت روایات صحیح و بسیار، از تمامی امت مسلمان داناتر به کتاب خدا بود. و اگر هیچ یک آن روایات نبود جز روایت ثقلین که هم از طرق شیعه و هم از طرق سنی بما رسیده در اثبات این مدعا کافی بود، زیرا در آن روایت فرمود: "انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی، اهل بیتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا بعدی ابدًا (سفینة البحار، ج ۱، ماده "ثقل")- من در میان شما دو چیز بس بزرگ می‌گذارم: یکی کتاب خدا، و یکی عترتم، اهل بیت، این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا کنار حوض بر من درآیند، و شما ما دام که به این دو تمسک جوئید بعد از من هرگز گمراه نخواهید شد". (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص: ۵۳۰)

پس از بیان مطالب فوق، مرحوم علامه به بحث روایی می‌پردازد و روایاتی در این باره می‌آورند که مراد از: "مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ" حضرت علی (علیه السلام) است.

روایاتی را که مفسران شیعه راجع به مصداق «من عنده علم الكتاب» ذکر کرده اند از نظر سند صحیح و از نظر دلالت قطعی است؛ بنابراین آیه شریفه، در صدد معرفی حضرت علی علیه السلام به عنوان کسی است که علم کتاب در نزد اوست.

ب: دیدگاه مفسران اهل سنت در مورد مصداق «من عنده علم الكتاب»

در بین مفسرین اهل سنت برخی مصداق این آیه را عبدالله بن سلام و برخی جبرائیل و برخی سلمان فارسی را می دانند، اما این مصادیق هیچکدام از دلیل محکم و قطعی برخوردار نیست و روایاتی که برای تأیید آن ارائه شده یا مشکل دلالتی دارد و یا مشکل سندی. در این میان بعضی از مفسرین اهل سنت، حضرت علی علیه السلام را به عنوان مصداق واقعی آیه تفسیر نموده اند و به روایات متعددی تمسک نموده اند که به بعضی از آن روایات اشاره خواهد شد.

- ثعلبی در این که منظور از «من عنده علم الكتاب» کیست روایتی را از ابی جعفر علیه السلام ذکر می کند که منظور از این آیه امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشد، در این باره می نویسد: ابن عطاء قال: كنت جالسا مع أبي جعفر في المسجد فرأيت ابن عبد الله بن سلام جالسا في ناحية فقلت لأبي جعفر: زعموا أن الذي عنده علم الكتاب عبد الله بن سلام. فقال: إنما ذلك علي بن أبي طالب عليه السلام عنده علم الكتاب. (تفسير الثعلبي، ج ۵، ص ۳۰۳) از ابی جعفر علیه السلام درباره آیه سوال گردید که «من عنده علم الكتاب» در این آیه عبدالله ابن سلام است؟ امام باقر علیه السلام فرمودند: نه خیر، کسی که علم کتاب در نزد اوست علی علیه السلام می باشد.

- ابن جوزی در تفسیر و مصداق «من عنده علم الكتاب» چند نظریه را مطرح می کند که در یک نظریه امیرالمؤمنین علیه السلام مصداق این آیه قرار داده شده و گفته است: أنه علي بن أبي طالب، قاله ابن الحنفية. مراد از آیه حضرت علی علیه السلام می باشد. کسانی که عبدالله ابن سلام را مصداق آیه قرار داده اند می نویسند: هو عبد الله بن سلام؟ قال: و كيف، و هذه السورة مكية؟ و أخرج ابن المنذر عن الشعبي قال: ما نزل في عبد الله بن سلام رضي الله عنه شيء من القرآن. این سوره مکی است مربوط به عبدالله بن سلام نمی گردد. شعبی نقل می کند که درباره عبدالله چیزی از قرآن نازل نشده است. (ابن الجوزی، أبو الفرج، ۵۰۸ هـ - ۵۹۷ هـ - ۱۲۰۱. زاد المسیر، ج ۴ ص ۱۶. و نیز: السيوطی، جلال الدین، ۸۴۹ - ۹۱۱ هـ - ۱۴۴۵ - ۱۵۰۵، الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۰).

- سیوطی در تفسیر مشهور خود به نام الدر المنثور نقل می نماید از سعید بن منصور و ابن جریر و ابن المنذر و ابن ابی حاتم و نحاس در کتاب ناسخ و منسوخ که عده ای گمان نموده اند مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» عبدالله بن سلام است این مسأله از سعید بن جبیر سوال شد، او در جواب گفت: هرگز، چگونه این طور باشد و حال این که این سوره مکی است (الدر المنثور، ج ۴، ص ۶۹ و ج ۶ ص ۳۹ و تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۵۴۰) یعنی سوره رعد در مکه نازل شد و حال آن که عبدالله بن سلام در مدینه اسلام آورده است.

- حسانی در تفسیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل :

ایشان مصداق «من عنده علم الكتاب» را حضرت علی علیه السلام می داند و روایاتی را در تأیید آن می آورد که از یکی از آن روایات از قرار ذیل است:

أَخْبَرَنَا عَقِيلُ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ مُحَمَّدٍ الْجُمَحِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ دَاوُدَ الْخُرَيْبِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ أَبِي صَالِحٍ [فِي قَوْلِهِ تَعَالَى]: وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ كَانَ عَالِمًا بِالتَّفْسِيرِ وَ التَّوِيلِ وَ النَّاسِخِ وَ الْمَنْسُوخِ وَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ. قَالَ أَبُو صَالِحٍ: سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ مَرَّةً يَقُولُ: هُوَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ وَ سَمِعْتُهُ فِي آخِرِ عُمَرِ يَقُولُ: لَا وَ اللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. (حسكاني، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، ج ١ ص ٤٠٠)

همانطور که در تفاسیر فوق مطرح شد مفسران اهل سنت در تفسیر آیه پایانی سوره رعد روایاتی را مطرح کرده اند که بیانگر این واقعیت است که آیه مزبور درباره حضرت علی علیه السلام نازل شده است. هرچند برخی تلاش کرده اند با بیان مصادیق مختلفی موجب اختلاف در اقوال شوند، اما برخی دیگر تنها مصداق واقعی را حضرت علی علیه السلام دانسته اند که حکایت از جایگاه رفیع و بی نظیر علمی و معنوی ایشان در بین مسلمانان بعد از رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» دارد.

نتیجه گیری

از آنجا که روش تحلیل محتوا برای یافتن موضوعات اصلی و جهت گیری ها، روشی علمی برای تفسیر متن است و نتایج به دست آمده از آن اطمینان آورتر است، در این تحقیق با همین روش، به بررسی مصداق آیه «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» در آخرین آیه از سوره الرعد پرداختیم.

به همین منظور آیه را در کل سوره رعد مورد بررسی قرار دادیم و با بررسی موضوعات مطرح شده در سوره رعد، از قبیل بیان اسرار آفرینش، انذار و هدایتگری، پاسخ به بهانه جویی های کافران و تاکید بر عدم نقض عهد و پیمان الهی به این نتیجه رسیدیم که تمام این موضوعات ارتباط معناداری باهم دارند؛ و در آیه پایانی این هماهنگی به نهایت خود می رسد هنگامی که بعد از شهادت و گواهی خداوند، شهادت و گواهی حضرت علی علیه السلام با توصیف «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» مطرح می شود.

سپس در ادامه به بررسی مسأله در درون خود آیه پرداخته ایم. به همین منظور ابتدا معلومات و یقینات آیه را مشخص نمودیم و سپس با مشخص شدن مجهول آن که همان مصداق «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» بود با طرح سوالات اصلی و فرعی و کمک گرفتن از معلومات آیه، پاسخ های احتمالی مورد بررسی قرار گرفت، و در نهایت معلوم شد که آیه شریفه جز بر حضرت علی علیه السلام، بر شخص دیگری قابل تطبیق نیست.

مفسران شیعه و اهل سنت در ذیل آیه شریفه با بیان مصادیق مختلفی سعی کرده اند به تفسیر «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» بپردازند. مفسران شیعه به استناد روایاتی معتبر، حضرت علی علیه السلام را تنها مصداق آیه شریفه دانسته اند؛ اما مفسران اهل سنت با بیان مصادیق مختلف سعی بر این دارند قول واحدی را انتخاب نکنند، هرچند بعضی از آنان با ردّ اقوال مختلف به اثبات مصداق واقعی آن یعنی حضرت علی علیه السلام اعتراف نموده اند.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ناشر: دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۲ ه. ق، نوبت چاپ: ۱
- ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر (تفسیر ابن عاشور)، ناشر: مؤسسه تاریخ العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ه. ق
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد مقدس، چاپ: ۱، ۱۴۰۸ ه. ق.
- ابو حیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، ۱۱ جلد، دار الفکر - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۲۰ ه. ق.
- امین، نصرت بیگم، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، ۱۵ جلد، [بی نا] - [بی جا] - [بی جا]، چاپ: ۱.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ناشر: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، ۱۴۱۵ ه. ق
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ناشر: مؤسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامیه، قم، چاپ: ۱۴۱۵ ه. ق
- بقاعی، ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، ناشر: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، سال چاپ: ۱۴۲۷ ه. ق، نوبت چاپ: ۳
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ۳ جلد، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسه الطبع و النشر تهران، چاپ: ۱، ۱۴۱۱ ه. ق.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، پرسش ها و پاسخ های قرآنی (رضایی اصفهانی، محمد علی)، ۱۲ جلد، پژوهشهای تفسیر و علوم قرآنی - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۵.
- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ناشر: دار الكتاب العربی، بیروت، سال چاپ: ۱۴۰۷ ه. ق، نوبت چاپ: ۳
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ناشر: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، قم، ۱۴۰۴ ه. ق
- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰ جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ه. ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، ناصر خسرو - ایران - تهران، چاپ: ۳، ۱۳۷۲ ه. ش.
- عبد الله محمود شحاته / سید محمد باقر حجتی، درآمدی به تحقیق در اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ۲۰ جلد، ناصر خسرو، تهران، چاپ: ۱، ۱۳۶۴ ه. ش.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ناشر: دار الكتاب، قم، سال چاپ: ۱۳۶۳ ه. ش، نوبت چاپ: ۳
- محمد خامه گر، محمد، ساختار هندسی سوره های قرآن، ۱۳۹۵، ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی
- مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، ناشر: دار محبی الحسین، تهران، ۱۴۱۹ ه. ق، نوبت چاپ: ۱
- معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، ۶ جلد، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ: ۱۰، ۱۳۷۱ ه. ش.
- نجارزادگان (محمدی)، فتح الله، تفسیر تطبیقی، روشها و گرایشهای تفسیری، ناشر: مرکز جهانی علوم اسلامی